یادداشت

ژئوپلیتیک جدید منطقه

ادامه از صفحه اول

ایران ضمن اینکه باید از ثبات در سوریه که همه در آن ذی‌نفع هستند، حمایت کند، می‌تواند از شکاف‌هایی که در منطقه وجود دارد، برای حفظ منافع خود سود ببرد؛ اما پیش‌شرط آن یک خانه‌تکانی اساسی در سیاست خارجی است. ایران باید در انتخاب اهداف سیاست خارجی متواضع باشد و مانند دیگر قدرت‌های متوسط از تمرکز بر اهداف دور و غیرممکن احتراز کند و بر اهداف مرتبط با حوزه زیست خود متمرکز شود.

بعد از کامران، مرتضی و محمد

ادامه از صفحه اول

آنها که تاریخ ایران را دنبال می‌کنند ۲۷ آذر ۵۸ را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنند. پیش از او هم در اردیبهشت همان سال استاد دیگری به نام مرتضی مطهری، شبانه ترور شد تا صبح فردایش از رفتن به کلاس دانشجویان منتظر بازبماند. نمونه تلخ دیگر به زمستان پیش از آن برمی‌گردد که استاد کامران نجات‌اللهی در بالکن دانشگاه پلی‌تکنیک هدف تیر سربازان دوره پهلوی قرار گرفت. این در حالی بود که استادان به نشانه اعتراض به خفقان و نبود آزادی بیان، در طبقه فوقانی دانشگاه اعتصاب خود را شروع کرده بودند اما در آن صبح مه‌گرفته خبر اصابت گلوله به پیکر استاد سبب شد دانشجویان در بهت ازدست‌دادن او فرو روند و از پاسخ‌گونبودن دستگاه حاکمیت به خروش آیند. واقعه دی ۵۷ نیز در تاریخ دانشگاه ثبت شد تا مانند دو رویداد یادشده دیگر در سینه‌ها زنده بماند. بعد از کامران، مرتضی و محمد، دوره‌های گوناگونی در سپهر سیاسی کشور طی شد. هرکدام از رئیس‌جمهورهایی که بر سر کار آمدند، وعده‌های متنوعی به دانشجویان دادند تا نشاط و کنشگری آزاد به دانشگاه برگردد. از جمله آنکه دکتر پزشکیان به محض استقرار در پاستور، صراحتا فرمان بازگشت استادان اخراج‌شده دو سال اخیر به خانه تدریس را اعلام کردند. انصافا گام‌هایی نیز در انجام این امر ضروری برداشته شد اما هنوز هم هستند شماری از مدرسان که پشت در دانشگاه مانده‌اند و انسداد همچنان برایشان ادامه دارد.

در همین چند روز گذشته هم در دانشکده علوم اجتماعی در سالن استاد شهید مطهری زیر عنوان «دانشگاه؛ امکان یا امتناع؟» نشستی برگزار شد با این توضیح که دانشگاه امروزه با مسائل و فروبستگی‌های متعددی روبه‌روست و فضاهای دانشگاهی به طرق مختلف از دانشجو دریغ می‌شود. در این شرایط، دانشگاه دیگر امکانی برای کنش‌ورزی و فعالیت‌های علمی و اجتماعی، در خود نمی‌بیند. اکنون راه برون‌رفت از این شرایط چیست؟ آیا دانشگاه هنوز یک امکان است و باید به راهکارهایی درون خود آکادمی اندیشید یا باید روزنه‌های امید و گشایش را در آکادمی‌های موازی جویا شد؟

به طور نمونه، نگار ذیلابی، استاد بلاتکلیف دانشگاه بهشتی هم درباره دلایل اخراجش و وضعیت این روزهایش نوشته: «در این صد و چند روز از وعده دولت، تعداد انگشت‌شماری پس از دوندگی‌های فراوان بر سر کار بازگشته‌اند. از جمع ۴۰ استادی که می‌شناسم فقط پنج نفر بازگشته‌اند».

متأسفانه اطلاعات دقیقی درباره بازگشت همه استادان اخراجی به کلاس درس در دسترس نیست. خوشبختانه در همین هفته جاری جمعی از استادان تعلیقی دانشگاه در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وضعیت خود را چنین شرح دادند: «...در گفت‌وگوی تلویزیونی که با شما در تاریخ دوازدهم آذر انجام گرفت، درخصوص استادان اخراجی فرمودید که وضعیت بسیاری از این اساتید بررسی شده و جز کسانی که مشکل قضائی داشته‌اند، اکثر آنان اکنون به کار خود بازگشته‌اند. علی‌رغم پیگیری‌های فردی و جمعی، تا زمان نگارش این نامه هنوز به محیط کار دانشگاهی خود بازنگشته‌ایم... وضعیت آن دسته از استادانی که به دلیل فعالیت‌های دانشگاهی خود دارای پرونده قضائی هستند نیز نیازمند توجه ویژه شما و وزارت علوم است... . شایسته نیست استادانی که اتهامشان دفاع از آزادی آکادمیک در همه ابعاد و شئون آن است، از بازگشت به دانشگاه منع شوند. پیگیری وضعیت این استادان علاوه بر اینکه جزء وعده‌های انتخاباتی صریح شما بوده است، نشانه‌ای است از عزم حاکمیت برای گشودن باب گفت‌وگوی عقلانی با شهروندان و تلاش برای پاسداشت سرمایه‌های انسانی».

به طور قطع معضلات پیچیده فرهنگی کشور از طریق ترمیم پل ارتباطی با دانشگاه قابل حل است و با نظر به این نامه دردمندانه مدرسان دانشگاه می‌توان در راستای توسعه سیاسی، گام‌های محکمی برداشت. با امیدی روشن به تحقق آن روزهای گشایش که روح استادان شهید میهن را شاد خواهد کرد و رهروی عملی از راه پاک آنان به اثبات خواهد رسید.

دوراهی حل یک معما

ادامه از صفحه اول

از سوی دیگر به گفته او «صنعت نقطه اتصال (و نه فقط ارتباط) اقتصاد با صنعت و اقتصاد جهانی است. بنابراین در دنیای امروز، اصطلاح «صنعت درون‌گرا» بی‌معنی است» (دکتر علیرضا ساعدی- ۹/۲۵).

این تحلیلی است که دکتر مسعود نیلی نیز در این همایش در قالب عباراتی دیگر بیان می‌کند و نجات صنعت را در گرو دو اقدام می‌داند: «کنارگذاشتن استراتژی جایگزینی واردات و پذیرش مشارکت سرمایه‌گذاران معتبر بین‌المللی در زنجیره ارزش و تغییر اساسی در استراتژی بخش انرژی و محور قراردادن فعالیت‌های مبتنی بر صرفه‌جویی انرژی» که این هر دو استراتژی به گفته ایشان «نیازمند غلبه برون‌گرایی بر رویکرد به توسعه صنعتی کشور است که در گرو تغییرات در مؤلفه‌های اصلی حکمرانی اقتصادی است اما جغرافیای سیاسی کشور مسیری خلاف روند مورد نیاز توسعه صنعتی را آدرس می‌دهد».

امروز کشورمان بر سر دوراهی تاریخی قرار گرفته است؛ دوراهی‌ای که گفتمان توسعه صنعتی آن را نمایندگی می‌کند: «در یک سو انقلاب صنعتی چهارم و گشایش‌های پس از آن و گذار سبز و چالش جایابی در زنجیره‌های ارزش در حال دگرگونی قرار دارد و در سوی دیگر جنگ و خونریزی و کشتار کودکان و مردم بی‌دفاع.

ما به‌عنوان کشوری در کانون جغرافیایی و سیاسی درگیری‌های نظامی رو به گسترش بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌ایم: راه اول فروغلتیدن در کام تنش‌ها و درگیری‌ها که تخریب باقی‌مانده صنعت و اقتصاد را در پی خواهد داشت و راه دوم تلاش بسیار در جهت تطبیق با تغییرات پارادایمی ناشی از انقلاب صنعتی چهارم و محدودیت‌های محیط‌زیستی در پیش در جهت بازار فروش محصولات صادراتی کشور و در یک کلام نجات صنعت».

در این میان اما می‌توان امیدوارانه نگریست و کفه نجات و توسعه صنعت را بس سنگین‌تر از کفه فرومانده‌گی آن دانست. چراکه این عرصه هنوز صحنه تلاش‌ها و رنج و سختی‌های چه بسیار کارآفرینان و صنعتگران و مهندسان و کارگرانی است که عاشقانه جان و مال و زندگی خود را در مسیر صنعتی‌کردن و پیشرفت و توسعه این سرزمین نهاده‌اند و نمونه و مصداق مشخص آن مهندس محسن خلیلی است؛ کسی که خود را «اسبی از ارابه‌های صنعتی‌شدن» کشور می‌داند و در نیمه نهمین دهه عمر خود همچون شخصیت پیرمرد در رمان «پیرمرد و دریا» سودای صید ماهی‌های بزرگ دارد چراکه به باور او «برنده کسی است که به جاهای دور می‌رود» و در سوی دیگر شاهد حضور محققان، پژوهشگران، کارشناسان و فعالان رسانه‌ای است که بی‌چشمداشت کسب منفعت خاص و با آرمان پیشرفت و توسعه این سرزمین عمر خود را صرف درک و شناخت مسائل و مشکلات و چرایی عدم تحقق توسعه صنعتی به‌عنوان یک ضرورت حیاتی و نشر و ترویج آگاهی‌های لازم در این طریق کرده‌اند و نهایت اینکه «صنعتی‌شدن اقتصاد ایران هرچند بسیار دشوار هنوز هم ممکن است» (دکتر مسعود نیلی) امید که چنین شود.

بشار اسد سکوت را شکست

خروج از سوریه با دستور روسیه

با گذشت بیش از یک هفته از سقوط حکومت بشار اسد، رسانه‌ها از انتشار بیانیه‌ای از سوی رئیس‌جمهور مخلوع سوریه خبر دادند. حکومت بشار اسد هفته گذشته سرنگون شد و او نیز به روسیه فرار کرد. اکنون اسد با انتشار بیانیه‌ای در کانالی تلگرامی که گفته می‌شود به ریاست‌جمهوری سوریه مرتبط است، سعی در مبراکردن خود از اتهامات داشت.

بشار اسد در نخستین بیانیه پس از ترک کشورش و فروپاشی حکومت خود گفت: «او از دمشق به پایگاه حمیمیم (زیر نظر روسیه، در غرب سوریه) نقل مکان کرد تا از آنجا به کار خود ادامه دهد، اما با سقوط آخرین مواضع ارتش، مسکو از فرماندهی پایگاه خواست که بلافاصله در عصر هشتم دسامبر به مسکو برویم».

بشار اسد در این بیانیه که روز دوشنبه از «کانال تلگرامی ریاست‌جمهوری سوریه» منتشر کرد، مدعی شد تا آخرین لحظات در سوریه باقی مانده و وضعیت کشورش را زیر نظر داشت و تا عصر ۸ دسامبر سوریه را ترک نکرده بود اما در پی دستور مسکو به فرماندهی پایگاه حمیمیم، از سوریه خارج شد. او حاکمان مسلط‌شده بر دمشق که اکنون اداره امور بخش‌های وسیعی از سوریه را در دست گرفته‌اند، «تروریست» خواند و نوشت: «کشورش در کنترل خرابکاران قرار گرفته است». بشار اسد در بیانیه خود ادعا کرده خروجش از سوریه برنامه‌ریزی‌شده نبود و «در هیچ مقطعی از رویدادها به کناره‌گیری یا پناهندگی فکر نکرده بود». او همچنین مدعی شد پیشنهاد خروج از کشور نیز «از سوی هیچ فرد یا طرفی به او ارائه نشده بود».

او خود را «همان فردی» توصیف کرد که از آغاز جنگ داخلی سوریه «در تلاش برای نجات ملت خود» بوده و «از به خطر انداختن خویش یا فقط برای منافع شخصی، به پیشنهادهای اغواکننده زیاد دست رد زده بود». بشار اسد ادعا کرد تنها راهکار عملی را «در مبارزه با حملات تروریستی» می‌دانست و به آن مشغول بود.

گزارش رویترز در روزهای بعد از خروج بشار اسد از دمشق، با استناد به اظهارات شمار زیادی از مقامات ارشد حکومت وقت و افرادی از حامیان حکومت اسد، حاکی از آن بود که بشار اسد روز ۷ دسامبر با فرماندهان امنیتی و نظامی در ساختمان وزارت دفاع در دمشق جلسه داشت و به آنها گفت نیروی کمکی روسیه در راه است و فقط ارتش سوریه باید تا رسیدن روس‌ها مقاومت کند. در شامگاه شنبه، نیروهای شورشی مخالف از حمص عبور کرده و به دروازه‌های دمشق رسیده بودند.

براساس تحقیق رویترز، بشار اسد پس از نشست وزارت دفاع به رئیس دفتر خود گفته بود به خانه می‌رود و بشینه شعبان، مشاور ارشد مطبوعاتی‌اش، را نیز به اقامتگاه خود فراخواند تا نطقی برایش بنویسد. اما به‌جای رفتن به خانه، با هواپیما از دمشق به پایگاه هوایی روسیه در لاذقیه رفت و هنگامی که خانم شعبان به کاخ ریاست‌جمهوری رسید، بشار اسد دیگر رفته بود.

رویترز افزوده بود که ماهر اسد، برادر بشار اسد و از فرماندهان ارشد ارتش او، از فرار برادر بی‌اطلاع مانده بود ولی او نیز بلافاصله ۸ دسامبر خود را با بالگرد به عراق رساند و از آنجا به روسیه گریخت. معلوم نیست ولادیمیر پوتین به ماهر اسد نیز پناهندگی داده است یا نه.

بشار اسد در بیانیه خود نوشته است (در مسیر پرواز از دمشق به لاذقیه) می‌دید که نیروهای ارتش سوریه مواضع خود را رها کرده بودند. او افزود: پایگاه حمیمیم هنگامی که به آنجا رسید «مورد حمله شدید پهپادها» قرار گرفت و روس‌ها در پی رسیدن دستور از مسکو تصمیم گرفتند او را نیز با هواپیما به مسکو منتقل کنند.

درحالی‌که بشار اسد خروج خود از سوریه را «غیرمترقبه» توصیف کرده، روزنامه فایننشال‌تایمز روز یکشنبه گزارش داد که او در طول دو سال اخیر بیش از ۲۵۰ میلیون دلار را به بهانه‌های مختلف به صورت پول نقد، دلار و یورو، به روسیه رسانده بود. بشار اسد یک روز پس از حرکت شورشی‌ها از ادلب به سوی حلب به مسکو رفت و با ولادیمیر پوتین دیدار کرد. گزارش‌های متعدد حاکی بود که او در آن سفر اسما، همسر و سه فرزند خود را در روسیه باقی گذاشت.

بشار اسد در بیانیه خود نوشت او کسی بوده که «هرگز مقاومت فلسطین و لبنان را رها نکرده و به متحدانی که کنارش ایستادند، خیانت نکرد». او بدون اشاره به برنامه‌های خود برای آینده نوشت: «نمی‌تواند مردم خود را رها کرده یا به ارتش و ملتی که به آن تعلق دارد خیانت کند». بشار اسد در پایان ابراز امیدواری کرده که «سوریه بار دیگر آزاد و مستقل» شود.

مردم سوریه فروپاشی حکومت بشار اسد را در خیابان‌های این کشور جشن گرفته و روز جمعه گذشته، در نخستین روز جمعه پس از تحولات، صدها هزار نفر با حضور در مساجد و سپس در خیابان‌ها، براساس فراخوان احمد الشرع از تحولات استقبال کردند.

سوریه؛ آزمایشگاه کپتاگون

با فروپاشی حکومت بشار اسد، رسانه‌ها از یافتن انبارها و آزمایشگاه‌های متعدد کپتاگون در نقاط مختلف سوریه خبر دادند. بیش از یک دهه است که ماده مخدر کپتاگون در سوریه تولید انبوه می‌شود و حکومت اسد که تحت تحریم‌های شدید غرب قرار داشت، از این طریق کسب درآمد می‌کرد. به نوشته ایندیپندنت و به گزارش عرب‌نیوز، کپتاگون نوعی آمفتامین ارزان‌قیمت و بیش از یک دهه است که به کشورهای خاورمیانه قاچاق می‌شود و سبب آسیب‌های اجتماعی بی‌سابقه‌ای شده است. این قرص به‌راحتی تولید می‌شود، به‌آسانی در دسترس است و با قیمت به‌نسبت ارزان به فروش می‌رسد. در پی سقوط حکومت سوریه، آزمایشگاه‌های متعدد تولید کپتاگون که در بخش‌های تحت کنترل حکومت سوریه قرار داشتند به تصرف نیروهای شورشی درآمده‌اند. در این آزمایشگاه‌ها که مشخص بود به‌سرعت و باعجله رها شده‌اند، مواد اولیه، ماشین‌آلات، بسته‌بندی و هزاران هزار قرص کپتاگون کشف شدند.

بااین‌حال، کرولاین رز، مدیر «برنامه نقاط کور راهبردی» در مؤسسه نیولاینز، معتقد است حتی نباید لحظه‌ای تصور کرد که فروپاشی حکومت اسد به معنای پایان تجارت کپتاگون است، هرچند تجارت این ماده مخدر دستخوش تغییراتی خواهد شد. هیئت تحریرالشام و بسیاری از جوامع سوریه شروع به برچیدن محل‌های تولید و سوزاندن قرص‌های کپتاگون کرده‌اند. ابومحمد الجولانی، رهبر هیئت تحریرالشام، نیز در سخنرانی پیروزی‌اش در مسجد اموی دمشق به طور مشخص به این ماده مخدر و نقش حکومت اسد در تولید آن اشاره کرد و گفت کشور به «یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های کپتاگون‌سازی در جهان تبدیل شده است و امروز، سوریه درحال پاکسازی از این ماده است».

داده‌های مؤسسه نیولاینز حاکی از تغییر الگوی تجارت کپتاگون در ماه‌های منتهی به فروپاشی اسد است و نشان می‌دهد آزمایشگاه‌هایی در کشورهایی مانند عراق، لبنان و ترکیه ظاهر شده‌اند و حتی در کشورهای اروپایی مانند آلمان و هلند نیز مشاهده شده‌اند.

درحوالی میدان سرخ

درس‌هایی که باید از سقوط اسد گرفت

احمدوخشیته
استاد دانشگاه دوستی ملل روسیه

فروپاشی غیرمنتظره رژیم اسد در سوریه نشان داد که وقتی ناکارآمدی حتی در نظام‌های سیاسی توتالیتر نیز از حد مشخصی عبور کند و دستگاه قدرت چشم بر نارضایتی‌های مردمی و سلایق طیف‌های مختلف سیاسی ببندد و گمان کند که با زور می‌تواند قدرت خویش را حفظ کند، چنان پایه‌های قدرت سیاسی و اجتماعی‌اش سست می‌شود که ناگهان دچار ورشکستگی حکمرانی می‌شود و حتی نیروهای مسلح ملی که روزگاری اهرم فشار او در دستگاه سرکوب بودند نیز عملا به رئیس کشور رأی عدم اعتماد می‌دهند تا دولت یک‌باره فرو ریزد.

اجازه بدهید از زاویه‌ای دیگر به این ماجرا نگاه کنیم. رژیم بشار اسد در آخرین لحظات در پاییز ۲۰۱۵ با کمک ایران و روسیه نجات یافت. ۹ سال گذشت و او فرصت داشت که آشتی ملی را نه در شعار در قالب نشست، همایش و حرف، بلکه با رویکردی عمل‌گرایانه اجرا کند، اما هرگز سوری‌ها را متحد نکرد. درس مهم‌تری که باید گرفت این است که وقتی حاکمی از مردم کشورش فاصله می‌گیرد، همیشه این شانس را ندارد که با حمایت کشورهای دوست، قدرتش تضمین شود و هنگامی که بحران مقبولیت او منجر به بحران مشروعیت شود و در بزنگاه فروپاشی سیاسی قرار بگیرد، حتی تحلیلگران در کشورهای دوست نیز شروع به انتقاد از سیستم حکمرانی او می‌کنند که سلایق مختلف مردم را نادیده می‌گرفت و در عمل در جست‌وجوی گفت‌وگو برای آشتی ملی نبود (مصداق آشکار این رویکرد را طی هفته گذشته از سوی کارشناسان ایران و روس ملاحظه کردیم).

بیایید مشخصا از زاویه مسکو به این ماجرا نگاه کنیم. مجموع سرمایه‌گذاری‌های روسیه در سوریه ۲۰ میلیارد دلار است و اگرچه تعداد مهاجران سوری در روسیه بسیار زیاد نیست، اما از جنبه اقتصادی بسیار موفق و از نظر اجتماعی بسیار فعال هستند. روسیه علی‌رغم حمایت از رژیم اسد به دلیل مبارزه با تروریسم در سوریه و همین‌طور کمک‌های بشردوستانه فعال برای همدردی با مردم این کشور همچنان پایگاه اجتماعی خوبی در میان بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم سوریه دارد و طبیعتا علاقه‌مند به حفظ پایگاه‌های نظامی خود در طرطوس و حمیمیم است. بنابراین تلاش دارد به‌جای اینکه تماشاگر باشد، نقش خود را به عنوان یک بازیگر فعال حفظ کند و تغییر رهبری سیاسی در سوریه را با دقت دنبال می‌کند.

درواقع ما از شروع یک بازی سیاسی جدید در سوریه صحبت می‌کنیم که کرملین دیگر برگ برنده اصلی بازی (یعنی رهبری سوریه) را در دست ندارد اما تلاش دارد چند کارت قابل توجه و تأثیرگذار را حفظ کند.

با وجود این، ما از شرایطی در سوریه صحبت می‌کنیم که اختلافات بسیاری میان کسانی که ادعای مشارکت در تقسیم میراث باقی‌مانده از اسد دارند، وجود دارد. بسیار خوش‌بینانه است که تصور کنیم سنی‌ها، شیعیان، علوی‌ها، دروزی‌ها، کردها، سکولارها و بنیادگرایان اسلامی تحریرالشام به این میزان از تساهل و تسامح رسیده باشند که مبتنی‌بر بلوغ سیاسی در میان‌مدت بر حفظ ائتلاف تأکید داشته باشند. در این بین همسایگان سوریه نیز به‌سختی می‌توانند ضامن صلح و امنیت در این کشور باشند. اسرائیل که آن‌قدر در غزه و لبنان مشغول است که فقط تلاش دارد بلندی‌های جولان را به عنوان منطقه حائل تصرف کند. ترکیه علی‌رغم تلاش‌هایش در حمایت تحریرالشام و سقوط اسد، نفوذ مطلقی بر این گروه‌های افراطی ندارد و احتمالا اردوغان اکنون نگران شدت‌گرفتن بنیادگرایی دینی در جنوب ترکیه است. ایران و عراق نیز که به دلیل حمایت مطلق از اسد و نادیده‌گرفتن مخالفان، شانسی برای بازیگری بی‌طرف در سپهر سیاسی سوریه ندارند. بنابراین یک امکان می‌تواند تبدیل‌شدن سوریه به سومالی دوم باشد و شاهد درگیری‌های داخلی و شورش‌های مسلحانه علیه دولت مرکزی باشیم. در سوی دیگر اما، باید دید که با تغییر در رهبری ایالات متحده، واشنگتن چه انگیزه و درکی برای این شرایط دارد و آیا ممکن است شرایط را طوری رقم بزند که بار دیگر روسیه به عنوان بازیگر فرامنطقه‌ای درگیر حضور در این منطقه شود؟

در این میان احتمالا روسیه یک درس بزرگ از سوریه گرفته باشد: حتی قدرت‌های بزرگ نیز با محدودیت‌هایی در سیاست‌های مداخله‌جویانه در خارج از کشور روبه‌رو هستند و کشیده‌شدن دوباره پای روسیه به سوریه در شرایطی که یک دولت مرکزی شکننده‌تری از گذشته وجود دارد، شاید شانس حضور روسیه در سوریه را پررنگ می‌کند، اما می‌تواند هزینه‌های هنگفت نظامی را پیش‌روی روسیه قرار دهد؛ آن هم در شرایط پیچیده‌ای که پیش‌روی سوریه قرار دارد. درواقع می‌توانیم از شطرنج جدید آمریکا برای روسیه صحبت کنیم: افغانستان در جنوب شرقی خارج نزدیک روسیه، سوریه در جنوب غربی خارج نزدیک روسیه و اوکراین در غرب این کشور؛ موازنه تهدید جدیدی که برای درگیرشدن مسکو در بحران‌های منطقه‌ای در خارج نزدیک خود کافی است و فرصت سیاست‌های توسعه‌طلبانه در دیگر مناطق را سلب می‌کند.

یادداشت

خیرعمومی دستاویزی برای بروز فساد

ادامه از صفحه اول

بخشی از علت این موضوع ناشی از آن بود که در جامعه قرون وسطی سیطره بر ابزارهای خشونت در دست اشراف بود و به هنگام نیاز در استفاده از آن با کسی رودربایستی نداشتند ولی تیغ زور فقط تا حدی برندگی داشت. دعا و قدرت اقناع شدیدا به هم گره خورده بودند، کشیشان و فِرق مذهبی هنگام موعظه عوام، سلسله مراتب موجود را توجیه می‌کردند. مرجعیت کلیسا ، توانایی آنان را در اقناع مردم تقویت می‌کرد. کسی جرئت نداشت آموزه‌های کلیسا را زیر سؤال ببرد؛ هرگونه ابراز تردید علنی بلافاصله منجر به تکفیر می‌شد. قوانین نیز به نفع کلیسا بود و به دادگاه‌های محلی تحت اداره فرادستان فئودال یا دادگاه‌های کلیسایی تحت کنترل سلسله مراتب کلیسا قدرت می‌داد. منشأ اصلی سلطه کلیسا بر عوام و بر حوزه اقتصاد را باید در نیروی اقناع‌سازی کلیسا جست‌وجو کرد. در اقتصاد ایران همواره شاهد و ناظر تصمیماتی به نفع گروهی اندک هستیم. ازجمله می‌توان به سازوکار نرخ ارز در اقتصاد ایران اشاره کرد. سال‌هاست که اقتصاد ایران درگیر سیاست‌های نرخ ارز چندگانه است، به این معنی که در آن واحد با چند نرخ ارز متعدد در اقتصاد، کالاها مبادله می‌شوند. دولت‌های مختلف در سال‌های اخیر با نیت حمایت از مصرف کنندگان و حتی حمایت از تولیدکنندگان، ارز را با قیمتی کمتر از قیمت متداول بازار به اقلام مصرفی مصرف‌کنندگان یا به مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان تخصیص داده‌اند. هرچند می‌توان با نگاه افزایش رفاه مصرف‌کنندگان (به‌ویژه قشر ضعیف جامعه) از این سیاست‌ها دفاع کرد اما دادن ارز یارانه‌ای جنبه تاریک و ناخوشایندی نیز به همراه دارد. به‌عنوان نمونه بخشی از اقلامی که با ارز ارزان وارد می‌شوند، به صورت قاچاق از کشور خارج شده و منافعی را برای عده قلیلی به همراه دارد یا دریافت ارز ارزان به بهانه تولید منجر به بروز فسادی مانند چای دبش در اقتصاد شده است.

همچنین برخی بنگاه‌های تولیدی (مانند خودروسازان مونتاژی) با دریافت ارز ارزان و فروش محصولات به قیمت بالا، تنها منافع خود را حداکثر کرده و هیچ‌گونه اضافه رفاهی برای مصرف‌کننده به ارمغان نمی‌آورند. مطابق اعلام بانک مرکزی سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار ارز با نرخ ترجیحی و نیمایی برای تأمین کالاهای اساسی و نیاز صنایع تخصیص داده می‌شود. هرچند ارقام شفافی درباره فساد و سوءاستفاده در این زمینه منتشر نشده است. اما پر واضح است که اگر حتی ۱۰ درصد از این منابع ارزی صرف سودجویی و مناسبات رانتی شود، چه خسران و زیان سهمگینی را به بدنه اقتصاد ایران تحمیل می‌کند. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چرا سیاست چندنرخی ارز تداوم می‌یابد؟ پاسخ مدافعان این سیاست غالبا مرتبط یا کمک به اقشار ضعیف جامعه است. از آنجایی که این نیت، یک هدف خیرخواهانه است و مطابق با مصلحت کل کشور ترسیم می‌شود، می‌تواند از قدرت اقناع‌سازی بالایی برخوردار باشد. بیان‌کردن اینکه یک تصمیم، خیر عمومی را نشانه گرفته است، بسیار توجیه‌پذیر و پذیرفتنی به نظر می‌آید.

سخن آخر اینکه در برخی موارد صاحبان ثروت و قدرت چنین وانمود می‌کنند که منافع عمومی برای آنها در بالاترین اولویت قرار دارد. آنها از این حربه برای قانع‌کردن توده‌های مردم استفاده می‌کنند؛ در این شرایط فعالیت اصلی طبقه فرادستان جامعه و نخبگان سیاسی و اقتصادی امری نیست جز کسب سود و منفعت از محل فساد و مناسبات رانتی. اینکه همگان متقاعد شوند که فلان تصمیم، خیر اجتماعی را به ارمغان دارد، بهترین پشتوانه برای پیمودن مسیر سودجویی برای دارندگان روابط رانتی است.

فراخوان ثبت نام کاندیداتوری هیات مدیره انجمن علمی اورژانس پیش‌بیمارستانی

ضمن اعلام تاسیس انجمن، از اعضای پیوسته که واجد شرایط و متقاضی عضویت در هیات مدیره یا بازرسی انجمن می‌باشند، خواهشمند است از تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۹ تا ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ مدارک شامل فایل رزومه، کارت ملی و عکس رنگی خود را از طریق ایمیل به نشانی: ems.phema1403@gmail.com ارسال نمایند.
کسب اطلاعات بیشتر: تلفن ۰۹۳۸۱۹۴۸۱۱۷ یا بله همان شماره
هیات‌موسس انجمن علمی اورژانس پیش‌بیمارستانی

برگ سبز موتورسیکلت نامی 150cc رنگ مشکی مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۵۱۷ - ۸۳۴۹۳ و شماره موتور 0149NBE018915 و شماره تنه NBE*150S9301342 به نام شایان کرمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**